

قتل در حکم شبه عمد در قانون مجازات اسلامی

دکتر حسنعلی مؤذن زادگان

عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه علامه طباطبائی

طرح مسأله: قانونگذار در سال ۱۳۷۰، اصطلاح "قتل در حکم شبه عمد" را برای اولین بار در قوانین جزایی ایران مطرح نموده است. با عنایت به عدم سابقه عنوان مذکور در قوانین جزایی، در نوشتار حاضر سعی در تبیین و مقایسه آن با سایر انواع قتل در فقه و قوانین جزایی ایران می‌باشد.

مبحث اول: کلیات

۱- انواع قتل در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴: باب سوم قانون مجازات عمومی سابق ایران اختصاص به بیان جرایم جنحه و جنایت نسبت به افراد داشت. انواع قتل در قانون مزبور به شرح ذیل بوده است.

الف- قتل عمد: ماده ۱۷۰ قانون مذکور در مورد پیش‌بینی قتل عمدی مقرر می‌دارد: "مجازات مرتکب قتل عمدی، اعدام است مگر در مواردی که قانوناً استثناء شده باشد" چنانکه ملاحظه می‌شود قانونگذار جرم قتل عمدی را تعریف نکرده است. لیکن حقوقدانان کیفری با استفاده از روح قانون و قواعد حقوق جزا، قتل عمدی را بعنوان "سلب عمدی حیات انسان دیگری" تعریف نموده‌اند.^(۱)

ب - قتل در حکم عمد: قتل مزبور در ذیل ماده ۱۷۱ پیش‌بینی شده است. ماده مذکور می‌گوید: "هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورده که منتهی به موت مجنی علیه گردد بدون اینکه مرکب قصد کشتن را داشته باشد به حبس با اعمال شاقه از سه سال تا ده سال محکوم خواهد شد. مشروط بر این که آلتی که استعمال شده است قتاله نباشد و اگر آلت قتاله باشد مرتکب در حکم قتل عمدی است."

در این مورد نیز تعریف قتل عمدی صادق است. نهایت اینکه استفاده از آلت قتاله بعنوان قائم مقام "قصد کشتن" یا "قصد نتیجه" مطرح می‌باشد.

ج - قتل شبهه عمد: با عنایت به صدر ماده فوق‌الاشاره، وقتی قتل شبهه عمد محسوب می‌شود که مرتکب دارای سوء نیت عام (قصد جرح یا ضرب) روی جسم مجنی علیه باشد ولی بدون اینکه قصد نتیجه (سلب حیات) موجود بوده و ضرب و یا جرح نوعاً کشنده باشد، در عمل منجر به فوت وی می‌گردد. بنابراین فعل مرتکب باید غیر مجاز یا عدوانی باشد. در غیر اینصورت "قتل شبهه عمد" تحقق پیدا نمی‌کند. مجازات این جرم سه سال تا ده سال حبس مقرر شده است.

د - قتل غیر عمدی: قتل غیر عمدی در ماده ۱۷۷ قانون پیش‌بینی شده و مقرر می‌دارد: "در صورتیکه قتل غیر عمدی بواسطه بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته یا عدم رعایت نظامات دولتی واقع شود، به حبس تأدیبی از یکسال تا سه سال محکوم خواهد شد. بعلاوه ممکن است مرتکب از پنجاه الی پانصد تومان غرامت نیز محکوم شود."

از مفاد ماده مذکور معلوم می‌شود که در قتل غیر عمدی مرتکب فاقد قصد فعل و نتیجه نسبت به مجنی علیه است. ولی رفتاری را پیشه خود می‌کند که مغایر با دقت و مراقبت می‌باشد و قتل حاصل رفتار مذکور است. لذا از نظر روانی عنصر معنوی قتل غیر عمدی، بی‌دقتی و عدم تفکر می‌باشد.^(۲)

۲- انواع قتل در فقه امامیه: با توجه به این که منبع عمده قانونگذار فعلی فقه امامیه است، انواع قتل در فقه مذکور بیان می‌گردد.

الف - قتل عمدی: بنابر آنچه مشاهیر فقهای امامیه در خصوص تبیین قتل عمدی مقرر

داشته‌اند،^(۳) قتل عمدی وقتی محقق است که فردی با انجام هر کاری خواه‌کننده یا غیر‌کننده قصد سلب حیات دیگری را داشته باشد و یا اینکه اگر قصد سلب حیات ندارد با کار نوعاً‌کننده، وی را از پای درآورد و به قتل رساند و یا اینکه هر چند کار نوعاً‌کننده نباشد، اما با در نظر گرفتن وضعیت مجنی علیه از قبیل پیری یا بیماری یا کودکی نسبت به او‌کننده تلقی شود. از مفاد بیان مذکور می‌توان در تعریف قتل عمدی از دیدگاه فقه امامیه چنین گفت: "سلب عمدی حیات انسان دیگر" در این تعریف قصد انجام کار نوعاً‌کننده با علم به‌کننده بودن آن و یا علم به‌کننده بودن آن نسبت به وضعیت طرف (مجنی علیه) جانشین قصد سلب حیات یا قصد نتیجه می‌شود. از نظر فقهاء تحقق علم مذکور ضرورت دارد و این علم همانند "قصد سلب حیات" است.^(۴)

ب - قتل شبه عمد: در قتل شبه عمد مرتکب به انجام کاری روی جسم مجنی علیه مبادرت می‌ورزد که نوعاً‌کننده نیست و علاوه قصد سلب حیات نیز ندارد. اما در عمل منجر به مرگ وی می‌شود. مثل اینکه شخص سالم و با جثه نسبتاً خوبی را از بلندی کوتاهی پرت کنند، ولی اتفاقاً فرد مذکور پس از سقوط فوت کند. فعل مذکور و قصد انجام آن اعم از این است که مجاز و یا غیرمجاز باشد. شهید ثانی از فقهای مشهور امامیه در این خصوص تصریح به عدم لزوم عدوانی بودن فعل نموده است.^(۵) از اینرو غالب فقها طبیبی را که حادث می‌باشد و با اذن مریض مبادرت به عمل جراحی وی می‌نماید و موازین علمی و فنی را هم رعایت می‌کند، در صورت فوت او مسئول می‌دانند.^(۶) و این برخلاف دیدگاه قانون مجازات عمومی سابق می‌باشد که عدوانی بودن فعل و سوء نیت عام (یعنی قصد در انجام ضرب را روی جسم مجنی علیه) را در تحقق قتل شبه عمد ضروری می‌دانست. بنابراین از آنچه گفته شد، در تعریف قتل شبه عمد از دیدگاه فقه امامیه می‌توان چنین بیان داشت: "سلب غیر‌عمدی حیات دیگری با انجام فعل مجاز یا غیرمجاز نوعاً غیر‌کننده روی جسم مجنی علیه."

ج - قتل خطای محض: در این نوع قتل مرتکب نه دارای قصد فعل روی جسم مجنی علیه و نه

۳ - "ر.ک" به کتب فقهی از جمله: شهید ثانی، شرح لمعه، انتشارات دارالعلم الاسلامی، بیروت، ج ۱۰، ص ۱۰۶-۱۰۵ و محقق حلّی، شرایع الاسلام، چاپ نجف، ج ۴، صفحه ۲۴۵
۴ - سید محمد حسین شیرازی، کتاب القصاص، انتشارات دارالقرآن، قم، صفحه ۱۴
۵ - شهید ثانی، همان، صفحه ۱۰۶
۶ - همان، صفحه ۱۰۸

قصد سلب حیات اوست. لیکن مبادرت به انجام کاری یا قصد روی شیئی یا شخصی یا موجود مورد - نظر خود می‌کند که اتفاقاً منجر به قتل وی می‌شود.

در این خصوص نیز کلام فقهاء اعم از این است که کاری که قصد آن شده از نظر قانون یا عرف مجاز بوده یا خیر، بی‌دقتی در انجام آن شده باشد و یا خیر. بنابراین فرقی ندارد که شخص در شکارگاه مجاز و با رعایت احتیاط و مجوز به شکار پردازد و اتفاقاً تیر او موجب قتل انسانی شود و یا اینکه غیرمجاز در شکارگاه وارد شود و تیر او دیگری را بکشد. با عنایت به مباحث فقهای امامیه در بیان انواع قتل و توضیح و تبیین آنها، عنوان "قتل در حکم شبه عمد" به شیوه‌ای که قانونگذار بیان کرده است و تفصیل آن ذکر خواهد شد، پیش‌بینی نشده است.

۳- انواع قتل در قانون مجازات اسلامی: ماده ۲۰۴ قانون مجازات اسلامی در مقام بیان انواع قتل می‌گوید: "قتل نفس بر سه نوع است: عمد، شبه عمد، و خطای محض" ماده ۲۰۶ و بندهای الف و ب ماده ۲۹۵ قانون مذکور، به همان شیوه‌ای که در بحث انواع قتل از دیدگاه فقه امامیه بیان شد، به تعریف عناوین قتل عمد، شبه عمد و خطای محض پرداخته است و لذا از تکرار مطالب خودداری می‌شود. در عین حال قانون مزبور در تبصره ۳ بند ج ماده ۲۹۵ عنوان "قتل در حکم شبه عمد" را مطرح نموده که قبل از آن سابقه‌ای در فقه امامیه و قوانین جزائی ایران نداشته است. تبصره مذکور مقرر می‌دارد: "هرگاه بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود بنحوی که اگر آن مقررات رعایت می‌شد، حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح در حکم شبه عمد خواهد بود." در مباحث آتی به تشریح این نوع قتل مبادرت می‌شود.

مبحث دوم - هدف، مبنا و عناصر قتل در حکم شبه عمد

۱- هدف از تشریح: همان‌گونه که خواهیم دید از مذاقه در تبصره ۳ بند ج ماده ۲۹۵ که "قتل در حکم شبه عمد" را پیش‌بینی نموده است، معلوم می‌شود که هرگاه قتل مزبور در اثر فعل مستقیم مرتکب واقع گردد از مصادیق قتل خطای محض است. زیرا در قتل خطای محض که مرتکب فاقد قصد فعل و نتیجه می‌باشد، ممکن است مسامحه در رفتار مرتکب وجود داشته باشد یا نداشته باشد.

بنابراین قتل در حکم شبه عمد که مبنای آن مسامحه در رفتار با وصف مذکور است، می تواند از مصادیق قتل خطای محض محسوب شود. و با عنایت به این که به موجب مفاد ماده ۳۰۵ قانون مجازات اسلامی، چنانچه قتل خطای محض باشد، در صورتیکه با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، دیه بعهدہ عاقله است و این که در غالب موارد در شرایط فعلی، قتل با استناد به کارشناسی و قرائن و امارات و معاینات محلی از طریق علم قاضی ثابت میگردد، و با توجه به این که طبق ماده ۳۰۷ عاقله بستگان نسبی ذکور ابوینی با ابی قاتل هستند که بترتیب طبقات ارث باید دیه را بپردازند و دسترسی به آنان مشکل می باشد و به فرض که به آنان دسترسی پیدا شود چه بسا فاقد امکانات مالی بوده و قادر به پرداخت دیه نباشند و در این صورت قطع نظر از اطاله دادرسی، طبق ماده ۳۱۲ دیه قتل باید از بیت المال پرداخت گردد و این خود تحمیلی گران بر بودجه مملکت است، لذا قانونگذار با تجارب بدست آمده از اجرای قانون حدود و قصاص مصوب سال ۶۱ که همین رویه را پیش بینی نموده بود، عنوان "قتل در حکم شبه عمد" را مطرح کرد تا بدینوسیله در مواردی که قتل خطای محض توأم با مسامحه در رفتار واقع می شود و درصد بالایی از قتل‌های غیر عمدی خصوصاً به واسطه تخلف از مقررات رانندگی را تشکیل می دهد که خود شخص قاتل دیه را پرداخت نماید. وانگهی در قتل غیر عمدی ناشی از مسامحه در رفتار که بخصوص در تخلفات رانندگی چنانکه گفته شد - بحد وفور در جامعه اتفاق می افتد، برخلاف منطق قضایی است که قاتل مسامحه گرو سهل انگار در رفتار رها شود و عاقله بیخبر از حادثه که چه بسا با قاتل ارتباطی هم ندارد و یا حتی با هم خصومت دارند، مسئول دانسته شود.

۲- مبنای وضع عنوان: مبنای وضع اصطلاح "قتل در حکم شبه عمد" در رویه قضایی ایران و متعاقب آن در قانون مجازات اسلامی، فتوای حضرت امام رضوان الله تعالی علیه در تحریرالوسیله است. حضرت امام در جلد دوم تحریرالوسیله قائل است به این که در برخورد دو وسیله نقلیه، چنانچه حادثه‌ای رخ داده و قتلی حادث شود و یا مالی مختلف بشود، هرگاه صاحب هر دو وسیله نقلیه مقصر شناخته شوند و فرض وجود عمد منتفی باشد، هر یکی از آنان باید نصف دیه اتلاف نفس و یا نصف قیمت اتلاف مالی را بپردازد و اگر یکی از آنان مقصر شناخته شود، مسئول پرداخت تمام دیه قتل و یا تمام مال مورد اتلاف طرف مقابل می باشد و فرد اخیر به لحاظ عدم تقصیر هیچگونه مسئولیتی

ندارد. (۷)

رای اصراری شماره ۵۹ مورخ ۶۳/۱۲/۱ دیوانعالی کشور بالحاظ ملاک مذکور در فتوای امام مقرر داشت: "صرفنظر از اینکه متهم فاقد گواهی نامه رانندگی بوده و مهارت وی نیز ثابت نشده است، حسب نظر کارشناسی در موقع تصادف، ماشین مصادف به سمت چپ منحرف و همین امر سبب بروز حادثه گردیده است و چون متهم رعایت احتیاط لازمه را ننموده عملش تفریط به نفس است که به فتوای امام مذطله‌العالی در حکم شبه عمد می‌باشد ... متعاقب رأی مذکور رأی وحدت رویه دیوان کشور به شماره ۲۳ مورخ ۶۵/۸/۲۰ که در حکم قانون است، مقرر نمود (۸):

"قتل غیر عمدی در اثر بی احتیاطی در رانندگی وسیله نقلیه بدون داشتن پروانه رانندگی که مجازات آن در ماده ۱۵۳ قانون تعزیرات مصوب ۶۲/۵/۱۸ کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی معین شده، از آن جهت که نوعاً تفریط به نفس است در حکم شبه عمد بوده و از لحاظ پرداخت دیه مشمول بند ب ماده ۸ قانون دیات مصوب ۶۱/۴/۲۰ می‌باشد."

قانونگذار در سال ۱۳۷۰ بالحاظ آراء مذکور تبصره ۳ بند ج ماده ۲۹۵ را تصویب نمود. و بدین ترتیب نه تنها در رانندگی بلکه در هر موردی که ارتکاب قتل غیر عمدی ناشی از مسامحه در رفتار باشد، آنرا "در حکم شبه عمد" تلقی نمود.

۳- تعریف و عناصر قتل در حکم شبه عمد: با عنایت به مفاد تبصره اخیرالذکر قتل در حکم شبه عمد عبارت است از: "سلب غیر عمدی حیات انسان دیگر در نتیجه خطای جزایی مرتکب"، با توجه به تعریف مذکور، عناصر قتل در حکم شبه عمد عبارتند از:

الف - عنصر قانونی: عنصر قانونی کلی قتل در حکم شبه عمد در تبصره ۳ بند ج ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۰، ذکر شده است که قبلاً بیان شد. بعلاوه قانونگذار مصادیق خاصی از این جرم را در موارد دیگری از قوانین جزایی بیان داشته است. از جمله ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵ که ناظر به قتل غیر عمدی ناشی از تخلفات رانندگی است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: "هرگاه بی احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از

وسائط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی) یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود.

همچنین مواد ۳۴۶، ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۹ و برخی دیگر از موادی که در ذیل باب هفتم کتاب چهارم قانون مجازات اسلامی راجع به تسبیب در جنایت ذکر شده است، می‌تواند عنصر قانونی جرم را تشکیل دهد.^(۹)

ب - عنصر مادی: بروز عدم تفکر یا بی‌دقتی مرتکب در واقعیت خارجی عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهد. اجزایی که در عنصر مادی مطرح است، عبارتند از:

ب - ۱ - رفتار مرتکب: رفتار مرتکب در این جرم می‌تواند به وسیله مباشرت یا فعل مستقیم مرتکب (نظیر حوادث ناشی از تصادفات رانندگی)، یا به طریق فعل غیرمستقیم یا تسبیب یا ترک فعل ظهور نماید. زیرا اطلاق و عموم صدر تبصره ۳ بند ۳ ماده ۲۹۵ که در مقام بیان مفهوم کلی جرم است، امکان انعکاس رفتار مرتکب از طریق مباشرت یا تسبیب را مبرهن می‌سازد. مصادیق رفتار مرتکب به معنای مذکور به شرحی که در تبصره ۳ بند ۳ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی آمده است، عبارتند از:

۹ - ماده ۳۴۶ می‌گوید: "هرگاه کسی چیز لغزنده‌ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ عاقل یا ممیز عمداً "با اینکه می‌تواند روی آن پا نگذارد به روی آن پا بگذارد" و ماده ۳۵۰ مقرر میدارد: "هرگاه دیواری را در ملک خود بطور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید لکن تدریجاً مایل به سقوط به سمت ملک دیگری شود اگر قبل از آنکه صاحب دیوار تمکن اصلاح آنرا پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد چیزی برعهده صاحب دیوار نیست و اگر بعد از تمکن از اصلاح با سهل‌انگاری سقوط کند و موجب خسارت شود مالک آن ضامن می‌باشد". در ماده ۳۵۳ آمده است: "هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند که عادتاً به محل دیگر سرایت می‌نماید یا بداند که بجای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده‌دار آن خواهد بود گرچه بمقدار نیاز خودش روشن کرده باشد". ماده ۳۵۶ می‌گوید: "هرگاه کسی آتشی را روشن کند و دیگری مال شخصی را در آن بیندازد و بسوزاند عهده‌دار تلف یا خسارت خواهد بود و روشن‌کننده آتش ضامن نیست." و ماده ۳۵۹ مقرر می‌دارد: "هرگاه با سهل‌انگاری و کوتاهی مالک حیوانی به حیوان دیگر حمله کند و آسیب برساند مالک آن عهده‌دار خسارت خواهد بود و هر گونه خسارتی بر حیوان حمله‌کننده و مهاجم وارد شود کسی عهده‌دار آن نمی‌باشد."

- بی‌احتیاطی: به معنی انجام فعلی است که بر حسب قانون یا عرف نباید، واقع شود. مثل اینکه راننده از چراغ قرمز عبور کند و یا با سرعت غیرمجاز موجب حادثه ناگوار قتل گردد. ماده ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی نیز یکی از مصادیق بی‌احتیاطی را متذکر شده است.

- بی‌مبالائی: به معنی عدم انجام فعلی است که بر حسب قانون یا عرف ضرورت به انجام آن وجود داشته باشد. مانند اینکه راننده کامیون بار را روی بار بندماشین نبندد و این امر موجب سقوط بار و قتل شخص دیگری شود. همینطور در مواقعی که باید راننده ترمز بگیرد، از ترمز کردن خودداری نماید و موجب قتل دیگری شود. مصداق این مورد در ماده ۳۵۰ قانون مجازات اسلامی بیان شده است.

- عدم مهارت: به معنی عدم تبحر و تخصص در کاری است که فرد بعهده گرفته است و بلحاظ عدم تخصص موجب بروز حادثه‌ای و در نتیجه قتل دیگری شود. مانند اینکه بدون تخصص در رشته برق با انجام برق‌کاری ساختمان موجب برق‌گرفتگی شخصی شود و او را بکشد.

- عدم رعایت مقررات و نظامات دولتی: به معنی آن است که شخص مقررات و نظامات دولتی را که به منظور حسن اجرای امری و مراقبت در انجام آن وضع گردیده است نقض کند و این امر موجب بروز قتل شخصی گردد. به عنوان نمونه چنانچه مقررات و نظامات و آیین‌نامه‌های ناظر به امر رانندگی که براساس موازین علمی و تجربیات عملی از سوی دولت‌ها تنظیم گردیده است، مورد بی‌توجهی و عدم عنایت رانندگان قرار گیرد، و حادثه قتل اتفاق افتد، در این صورت "قتل در حکم شبه عمد" تحقق می‌یابد.

ب - ۲ - وسیله ارتکاب جرم: در تحقق قتل در حکم شبه عمد وسیله خاصی شرط نشده است. به عبارت دیگر جرم مذکور با هر وسیله‌ای ممکن است واقع شود. در عین حال قانونگذار ایران وسیله را در تشدید مجازات مؤثر دانسته است. زیرا به صراحت ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال ۷۵ چنانچه جرم قتل در حکم شبه عمد با وسیله‌ای غیر از وسیله نقلیه موتوری یا وسیله موتوری واقع شود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه، به مجازات تعزیری از یک تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه محکوم خواهد شد. (۱۰)

ب - ۳ - رابطه علیت: جزء دیگر از عنصر مادی جرم احراز رابطه علیت بین رفتار مسامحه‌آمیز مرتکب و نتیجه واقع شده (قتل) می‌باشد. احراز رابطه علیت امری موضوعی و بعهدده قاضی است. احراز رابطه علیت در این مورد وقتی میسر است که بتوان بین "قتل حادث شده و رفتار مرتکب پیوندی قطعی کشف نموده، بنحوی که عامل دیگری پیوند مزبور را قطع نکرده باشد."^(۱۱) قاضی بمنظور تشخیص رابطه علیت به اوضاع و احوال حاکم بر قضیه و عرف مراجعه می‌نماید. در این مورد سؤالی که مطرح است، این است که چنانچه قاضی رابطه علیت بین رفتار مسامحه‌آمیز مرتکب و وقوع قتل را احراز نکند، آیا مرتکب مسئولیتی دارد یا خیر؟ در این مورد فروض ذیل قابل تصور است: فرض اول - قتل ناشی از فعل مستقیم مرتکب باشد: در این مورد چنانچه مسامحه‌ای احراز نشود یعنی اینکه مرتکب فاقد بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم رعایت نظامات دولتی و عدم مهارت باشد و برعکس مجنی علیه مسامحه در رفتار نماید، در قتل ناشی از تصادفات رانندگی و قتل ناشی از اقدام مأمور نظامی یا انتظامی، مسئولیتی برای مرتکب مقرر نشده است. این مطلب در مورد قتل ناشی از تصادفات رانندگی از مفهوم مخالف ماده ۷۱۴ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال ۷۵ و منطوق ماده ۳۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۰، قابل استنباط می‌باشد^(۱۲). و در خصوص قتل ناشی از اقدام مأمور نظامی یا انتظامی، ماده ۳۳۲ صراحت دارد^(۱۳). در ماده ۳۳۳ که عابر متخلف شناخته شده است. هیچگونه مسئولیتی مقرر نشده است، اما در ماده ۳۳۲ که فرض بر عدم تخلف مقتول می‌باشد، بیت‌المال مسئول پرداخت دیه وی قلمداد گردیده است. در سایر موارد با عنایت به اطلاق و عموم بند الف ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی و صراحت ذیل ماده ۶۱۶ قانون

۱۱ - استاد دکتر آزمایش، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی، دوره کارشناسی ارشد، سال تحصیلی

۶۶-۶۷

۱۲ - ماده ۷۱۴ قبلاً ذکر شده است و اینک ماده ۳۳۳: "در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است، اگر عبور نماید و راننده‌ای که با سرعت مجاز و مطمئن در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته است و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست."

۱۳ - ماده ۳۳۲ می‌گوید: "هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچگونه تخلف از مقررات نکرده است، ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جزء مواردی که مقتول و یا مصدوم مهدورالدم نبوده، دیه بعهدده بیت‌المال خواهد بود."

تعزیرات سال ۷۵، هرگاه قتل واقع شده ناشی از فعل مستقیم مرتکب باشد، به این معنی که قصد جنایت نسبت به مجنی علیه و قصد فعل نسبت به او را نداشته باشد، اما قتل واقع شده مستند به فعل او باشد، "قتل خطای محض" محسوب و چنانچه با بینه یا علم قاضی ثابت شود عاقله وی مسئول پرداخت دیه است. زیرا شرط تحقق قتل مزبور مسامحه مرتکب نیست و همین که قتل مستند به فعل او باشد، کفایت می‌کند. به این جهت در مثالی که قانونگذار با اقتباس از متون فقهی در ذیل بند الف ذکر نموده است، فرقی ندارد که تیر انداخته شده به قصد شکار در شکارگاه مجاز و با رعایت احتیاط و مراقبت پرتاب شود و یا در شکارگاه غیرمجاز با عدم رعایت احتیاط و مراقبت. آنچه که از اطلاق و عموم بندالف ماده ۲۹۵ و ذیل ماده ۶۱۶ اخیرالذکر خارج شده است، دو موردی بود که توضیح داده شد.

فرض دوم - قتل ناشی از غیرمستقیم مرتکب باشد: در این مورد احراز رفتار مسامحه‌آمیز مرتکب به واسطه بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت مقررات و نظامات دولتی ضروری است و چنانچه مسامحه از ناحیه خودمجنی علیه باشد و یا اینکه علل طبیعی موجب بروز حادثه گردد مرتکب فاقد مسئولیت است. در ماده ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی در ذیل مبحث تسبیب در جنایت که در واقع فعل غیرمستقیم اشخاص در بروز قتل دیگری مورد بحث است، چنین آمده است: "هرگاه کسی چیز لغزنده‌ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد، عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ، عاقل یا ممیز عمداً با اینکه می‌تواند روی آن پا نگذارد به روی آن پا بگذارد."

ماده ۳۴۷ قانون مجازات اسلامی در مورد وقوع قتل به لحاظ حوادث پیش‌بینی نشده می‌گوید: "هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پیش‌بینی نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده‌دار نخواهد بود مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که عادتاً ساقط می‌شود."

ج - عنصر معنوی: اصولاً یکی از ارکان جرم، عنصر معنوی است. در جرم عمدی عنصر معنوی به معنی سوءنیت یا عمد یا قصد ارتکاب رفتار مجرمانه است. اما در جرم غیرعمدی که "قتل در حکم شبه عمد" نیز از مصادیق آن محسوب هست، عنصر معنوی از نظر روانی به معنی عدم تفکر و

بی‌دقتی و یا عدم توجه در اقدام به اموری است که مخاطره‌آمیز می‌باشد و به منظور جلوگیری از فجایع ناگوار قتل یا صدمات بدنی یا سایر خسارات احتیاط و دقت را طلب می‌کند.

در حقوق جزا و همین‌طور در قوانین جزایی، اصل بر این است که به لحاظ عدم توجه یا غفلت یا بی‌دقتی ولو اینکه عنصر مادی جرم اتفاق بیفتد از نظر جزایی مرتکب فاقد مسئولیت است. زیرا برای تحقق جرم قصد یا عمد در ارتکاب رفتار مجرمانه ضرورت دارد. در عین حال قانونگذار به طور خاص که مصداق بارز آن قتل یا صدمات بدنی است، بی‌توجهی را که معلول حالت مرتکب است، عنصر معنوی شناخته است و همین مقدار را برای تعقیب مرتکب کافی می‌داند.

د - مجازات: مجازات قتل در حکم شبه عمد در ماده ۶۱۶ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده پیش‌بینی شده است. ماده فوق‌الذکر مقرر می‌دارد: در صورتی که قتل غیرعمد به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد.

تبصره - مقررات این ماده شامل قتل غیرعمد در اثر تصادفات رانندگی نمی‌گردد.

مجازات قتل غیرعمد ناشی از تخلفات رانندگی که در واقع یکی از مصادیق "قتل در حکم شبه عمد" است، در ماده ۷۱۴ قانون اخیرالذکر از شش ماه تا سه سال حبس و نیز پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم پیش‌بینی شده است.

نکته قابل توجه این که مجازات‌های حبس تعزیری فوق‌الذکر با عنایت به ماده ۲۲۷ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال ۷۵، غیرقابل گذشت می‌باشد.

ماده ۲۲۷ مقرر می‌دارد: جرائم مندرج در مواد ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، قسمت اخیر ماده ۵۹۶، ۶۰۸، ۶۲۲، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۴۲، ۶۴۸، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۹، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹ و ۷۰۰ جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف‌نظر نماید.

مبحث سوم - مقایسه قتل در حکم شبه عمد با سایر انواع قتل

قتل در حکم شبه عمد با قتل عمدی و شبه عمد در قانون مجازات عمومی سابق و قانون مجازات اسلامی از حیث مفهوم وجه تشابهی ندارد. زیرا در قتل در حکم شبه عمد مرتکب فاقد قصد فعل (سوء نیت عام یا قصد ایراد ضرب و جرح روی جسم مجنی علیه) و قصد نتیجه (قصد سلب حیات) است و حال آن که در قتل عمدی مرتکب دارای قصد فعل و نتیجه و در قتل شبه عمد دارای قصد فعل نوعاً غیرکشنده روی جسم مجنی علیه و بدون قصد نتیجه است. و بنابراین هیچگونه وجه اشتراکی از حیث مفهوم بین انواع مذکور موجود نیست. البته وجه اشتراک قتل در حکم شبه عمد با شبه عمد در مسئولیت پرداخت دیه و مهلت پرداخت آن است که قبلاً مطرح گردید. ولی مقایسه آن با قتل غیرعمدی در قانون مجازات عمومی سابق و خطای محض در قانون مجازات اسلامی شایان توجه است.

۱- مقایسه با قتل غیرعمدی در قانون مجازات عمومی سابق: این دو قتل از حیث مفهوم به شرحی که قبلاً مورد بحث قرار دادیم کاملاً یکی می‌باشد و صرفاً عنوان آنها فرق می‌کند. با این حال مجازات قتل در حکم شبه عمد علاوه بر حبس از یک سال تا سه سال که در این مورد با مجازات حبس غیرعمدی مطروحه در قانون مجازات عمومی سابق منطبق است، پرداخت دیه در حق اولیای دم مقتول با فرض مطالبه آنان است. و حال آنکه در قتل غیرعمدی ممکن بود که مرتکب علاوه بر مجازات حبس، به غرامت از پنجاه تا پانصد تومان محکوم شود.

۲- مقایسه با قتل خطا محض: هر چند در هر دو قتل در حکم شبه عمد و خطای محض مرتکب فاقد قصد فعل و نتیجه نسبت به مجنی علیه است، اما از حیث عنصر معنوی و مادی و مجازات موارد افتراق ذیل موجود است:

الف - از نظر عنصر معنوی: عنصر معنوی قتل در حکم شبه عمد عدم توجه یا بی‌دقتی از نظر روانی است، اما در قتل خطا محض لزوماً وجود عنصر معنوی به معنی فوق‌الذکر ضرورتی ندارد. در قتل خطا محض هرگاه قتل مستند به فعل مرتکب باشد، اعم از اینکه از نظر روانی دارای بی‌توجهی باشد یا خیر، کفایت می‌کند.

با این حال قانونگذار چنانچه فعل مستند به مرتکب بوده و دارای عنصر روانی یا خطای جزایی به معنی بی توجهی یا بی دقتی باشد، وفق تبصره ۳ بند ج ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، قتل را در حکم شبه عمد قلمداد کرده است.

بدین ترتیب هرگاه فعل مستقیم مرتکب موجب قتل شود، اگر توأم با خطاهای جزایی باشد در حکم شبه عمد است و اگر توأم با عنوان فوق‌الذکر نباشد خطای محض تحقق یافته است. به عنوان مثال وفق مفاد ماده ۳۲۴ قانون مجازات اسلامی^(۱۴)، چنانچه شخصی قطعه آهنی سنگین و نسبتاً بلند را با خود حمل کند و بدون قصد فعل نسبت به شخصی با او برخورد نموده و قطعه آهن مذکور در ناحیه سر آن شخص برخورد کرده و وی را بکشد، اگر در محل‌های عمومی پرجمعیت حرکت کرده باشد (مسامحه در رفتار) نموده و مرتکب قتل در حکم شبه عمد شده است. و چنانچه در اماکنی حرکت نموده که دیگران رفت و آمد نمی‌کرده و شخص مورد اصابت اتفاقاً از آن محل عبور نموده و قطعه آهن به او اصابت نموده باشد، مسئول قتل خطای محض خواهد بود.

ب - از نظر عنصر مادی: عنصر مادی قتل خطای محض با عنایت به مفاد بند الف ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی از طریق فعل مستقیم واقع می‌شود^(۱۵) و حال آنکه عنصر مادی قتل در حکم شبه عمد، شامل فعل مستقیم و غیرمستقیم و یا به مباشرت و به تسبیب است. در خطای محض فعل ممکن است مجاز یا غیرمجاز باشد، اما در حکم شبه عمد، فعل اعم از مستقیم یا غیرمستقیم باید وصف غیرمجاز بر آن صدق کند.

ج - از نظر مجازات: برای قتل خطای محض صرفاً مجازات دیه پیش‌بینی شده است. (بند الف ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی) و وفق بند ج ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی، دیه قتل خطا، محض باید در ظرف سه سال پرداخت شود. و حال آنکه چنانکه قبلاً ملاحظه شد، مجازات قتل در حکم شبه عمد، علاوه بر پرداخت دیه، حبس تعزیری است. و دیه قتل مذکور بر حسب بند ب ماده

۱۴ - ماده ۳۲۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: هرگاه کسی چیزی را همراه خود یا با وسیله نقلیه و مانند آن حمل کند و به شخص دیگری برخورد نموده موجب جنایت گردد، در صورت عمد یا شبه عمد ضامن می‌باشد و در صورت خطای محض، عاقله او عهده‌دار می‌باشد.

۱۵ - بند الف ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: "قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطا محض واقع می‌شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را مانند آن که تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخص برخورد نماید."

۳۰۲ قانون اخیرالذکر باید در ظرف مدت دو سال پرداخت گردد.

براساس مفاد ماده ۳۰۳ در قتل در حکم شبه عمد اگر قاتل که مسئول پرداخت دیه است (ماده ۳۰۴) نتواند در مدت معین دیه قتل را پرداخت کند، به او مهلت مناسب داده می‌شود و به هر حال شخصاً مسئول پرداخت دیه است. لیکن در قتل خطای محض که چنانچه با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود، پرداخت دیه به عهده عاقله است اگر عاقله قادر به پرداخت دیه در مهلت مقرر نباشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. (ماده ۳۱۲ قانون مجازات اسلامی)

نتیجه‌گیری

عنوان "قتل در حکم شبه عمد" در فقه امامیه و قانون مجازات عمومی سابق سابقه نداشته است و در قوانین جزایی پس از انقلاب اسلامی، اولین بار در تبصره ۳ بند ج ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ پیش بینی شده است. هدف قانونگذار از پیش بینی عنوان مذکور که بر مبنای فتاوی فقهای امامیه صورت گرفته است، رهایی از مشکل پرداخت دیه توسط عاقله و به علاوه الزام اشخاص مرتکب قتل‌های غیر عمدی توأم با خطای جزایی، به رعایت احتیاط و مراقبت در امور مخاطره‌آمیز و پرداخت دیه توسط آنان بوده است.

قتل در حکم شبه عمد از نظر مفهوم کاملاً منطبق بر قتل غیر عمدی مطرحه در ماده ۱۷۷ قانون مجازات عمومی سابق است. از نظر عنصر معنوی با احراز وقوع خطای جزایی از نظر روانی و تحقق رابطه علیت بین خطای مذکور و قتل حاصله از ناحیه مرتکب، محقق می‌شود. و اگر مرتکب فاقد خطای جزایی بوده و قتل ناشی از فعل مستقیم او باشد، قتل خطای محض محسوب می‌گردد و دیه قتل باید توسط عاقله مرتکب پرداخت شود.

قانونگذار به موجب قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ در قتل‌های در حکم شبه عمد جز در مورد قتل‌های ناشی از تخلفات رانندگی، واکنش تعزیری که بتواند هدف او را در الزام اشخاص به رعایت احتیاط و مراقبت در اعمال مخاطره‌آمیز سوق دهد، پیش بینی ننموده بود. اما با تصویب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده در سال ۱۳۷۵ خوشبختانه واکنش تعزیری و غیرقابل گذشت در مقابل قتل‌های مذکور مقرر کرده است که اقدامی شایسته و در خور توجه به نظر می‌رسد.